

از گوشه و کنار ایران

## مرگ ۵ مسافر اتوبوس در گردنه حیران



واژگونی یک دستگاه اتوبوس در ۴۰ کیلومتر ۱۸ جاده نمین-آستارا منجر به مرگ ۵ مسافر و مصدوم شدن ۱۸ نفر شد.

هادی سلیمی مدیرعامل هلال احمر اردبیل در تشریح این حادثه گفت: حوالی ساعت ۳:۴۰ بامداد دوشنبه، واژگونی یک دستگاه اتوبوس در ۴۰ کیلومتر ۱۸ جاده نمین-آستارا به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال احمر اعلام و بلافاصله ۸ تیم امدادی و واکنش سریع به محل حادثه اعزام شدند. این اتوبوس از استان آذربایجان شرقی به سمت گیلان در حرکت بود که در این حادثه ۱۸ نفر مصدوم و ۵ نفر به دلیل شدت جراحات در دم جان باختند. نجاتگران هلال احمر استان گیلان با همکاری جمعیت هلال احمر استان اردبیل و تیم‌های عملیاتی از شعب آستارا، تالش و رضوانشهر بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند.

سرهنگ جاور صفاری رئیس پلیس راه استان گیلان نیز گفت: اتوبوس حین تردد در گردنه حیران پیچ سیاهوش به علت نامعلوم از مسیر حرکتی خود خارج و واژگون شده است، علت دقیق این حادثه در دست بررسی است.

## چوبه دار مجازات قاچاقچی هروئین

یک سوداگر مرگ در اردبیل به دار مجازات آویخته شد. به گزارش مرکز رسانه دادستانی اردبیل، فردی که به جرم مشارکت در حمل مواد مخدر از نوع هروئین به اعدام محکوم شده بود، پس از سیر مراحل قانونی پرونده مربوطه و تجویز اجرای حکم از سوی قوه قضائیه، به دار مجازات آویخته شد.

همچنین طبق اعلام دادستان مرکز استان، پیرو اجرای احکام اعدام سال گذشته در ارتباط با سوداگران مرگ، ظرف روزهای آتی نیز چندین حکم اعدام مرتب با جرایم مواد مخدر در اردبیل، اجرا خواهد شد.

## قتل به خاطر جای پارک خودرو

پسر جوان که به خاطر جای پارک خودرو مرتکب قتل شده بود در بم دستگیر شد.

سرهنگ عزت‌الله عبدلی نسب فرمانده انتظامی بم گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر قتل عمد در یکی از محله‌های شهرستان بم، بررسی موضوع و دستگیری عامل با عاملان به صورت ویژه در دستور کار مأموران کالانتری ۱۱ و پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. در بررسی اولیه مشخص شد به دلیل مشاجره لفظی بر سر جای پارک خودرو یک پسر ۲۰ ساله توسط تبعه ۱۸ ساله به وسیله سلاح سرد به شدت مجروح شده و به قتل رسیده است. در حالی که متهم به قتل نیز متواری شده بود مأموران با بااکاوی دقیق صحنه جرم موفق شدند در کمتر از یک ساعت، مخفیگاه قاتل را شناسایی و این متهم را طی یک عملیات ضربتی در یکی از نقاط شهر دستگیر و به مراجع قضایی معرفی کنند.

## سارقان میلیاردری در دام پلیس

دو نفر از سارقانی که سال گذشته اقدام به سرقت ۵ میلیارد تومان طلا و جواهر منزل یک شهروند شاهین شهری کرده بودند با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند.

سرهنگ هادی کیان مهر فرمانده انتظامی شهرستان شاهین شهر و میمه با اعلام این خبر اظهار داشت: سال گذشته در پی وقوع یک فقره سرقت منزل در شاهین شهر که طی آن سارقان اقدام به سرقت بیش از ۵ میلیارد تومان طلا و جواهر از منزل یکی از شهروندان کرده بودند، موضوع شناسایی و دستگیری عاملان این سرقت به صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی شهرستان قرار گرفت.

وی افزود: در نتیجه تحقیقات تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی و جمع‌آوری سرخ‌های موجود، در کمتر از چند روز سارقان که دو نفر از افراد سابقه‌دار بودند شناسایی شدند و متهم شد متهمان پس از سرقت از این شهرستان به مکانی نامعلوم متواری شده‌اند.

سرهنگ کیان مهر بیان داشت: مأموران که درصد دستگیری متهمان متواری بودند با اشراف اطلاعاتی خود از حضور مجدد سارقان در سطح شاهین شهر و اختفای آنها در یک پاتوق بزهکاری در یکی از محلات این شهر مطلع و صبح دیروز پس از هماهنگی با دادستان شاهین شهر در عملیاتی ضربتی هر دو سارق را به همراه پنج فرد بزهکار دیگر دستگیر کردند.

## دستگیری عاملان قتل در روستای باقرآباد

عاملان درگیری جمعی منجر به قتل در روستای باقرآباد در کمتر از سه ساعت دستگیر شدند.

سرهنگ مهدی پورامینایی فرمانده انتظامی شهرستان کرمان در تشریح این خبر بیان داشت: به دنبال وقوع درگیری دسته‌جمعی منجر به قتل در روستای باقرآباد در حوالی شهر کرمان، بلافاصله مأموران پاسگاه این منطقه به همراه قاضی ویژه قتل و عوامل پلیس آگاهی در محل حاضر و مشخص شد چند جوان به دلیل اختلاف درگیری در نزاع بین آنان ۲ نفر با ضربه سلاح سرد دچار جراحات شدید شده‌اند که یکی از آنان در بیمارستان جان باخته است.

وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع، مأموران برای شناسایی و دستگیری قاتلان و عاملان این نزاع وارد عمل شدند و در کمتر از سه ساعت عاملان وقوع قتل و دیگر افراد مشارکت‌کننده در این نزاع دسته‌جمعی را شناسایی و در چند عملیات جداگانه دستگیر کردند. علت و انگیزه نزاع منجر به قتل اختلافات شخصی و درگیری ناشی از ناتوانی در کنترل خشم عنوان شد و در این زمینه همه متهمان پس از تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند.

## خرد بازی آنلاین پسر از جیب پدر

پسر نوجوان برای خرید بازی آنلاین ۱۱۰ میلیون ریال مخفیانه از حساب پدرش برداشت کرد.

سرهنگ فرهاد آراوند فرمانده انتظامی شهرستان قسا در تشریح این خبر اظهار کرد: با ارجاع پرونده قضایی با موضوع برداشت غیرمجاز ۱۱۰ میلیون ریال از حساب شاکتی، رسیدگی به پرونده در پلیس فتا آغاز و در بررسی تخصصی تراکنش‌ها مشخص شد مبلغ در ۸ مرحله برداشت و برای خرید شارژ و ارتقای بازی آنلاین استفاده شده است.

این مقام انتظامی افزود: در ادامه تحقیقات فنی پلیس، انگشت اتهام به سمت فرزند نوجوان شاکتی رفت؛ وی که به گوشی تلفن همراه و اطلاعات حساب اینترنت بانک پدرش دسترسی داشته، با همدستی دوستش، مبلغ ۱۱۰ میلیون ریال را در ۸ مرحله برداشت کرده و بلافاصله پیامک ارسالی بانک را حذف کرده است. سرهنگ آراوند به شهروندان توصیه کرد: ضمن برقراری ارتباط دوستانه با فرزندان خود و ایجاد فضای گرم و صمیمی در خانواده، به منظور پیشگیری از بروز موارد مشابه، اطلاعات حساب‌های بانکی خود را به صورت دوره‌ای تغییر دهید.

## سارقان صحنه جرم را زیر پل صدر بازسازی کردند

## سرقت به خاطر پول

## هیچ‌مان و عشق به موتورسواری



و با آنها راهی سرقت می‌شود. موتورهایی که برای سرقت استفاده می‌کردید سرقتی بود؟ پدرام موتورها را روزانه کرایه می‌کرد. برای هر موتور ۵ میلیون تومان و ما هم در سرقت‌ها پلاک موتورها را می‌پوشاندیم و بعد از سرقت موتورها را به صاحبانشان برمی‌گرداندیم.

## چه شد وارد سرقت شدی؟

من عاشق هیجانم و البته پول نقش اصلی را داشت. ۱۲ سالم بود که ساختمان پلاسکو آتش گرفت، زمانی که فیلم‌های تلاش آتش‌نشانان را از تلویزیون می‌دیدم دلم می‌خواست آتش‌نشان شوم. حتی برای این کار هم اقدام کردم اما چون سربازی نرفته بودم نتوانستم به آرزویم برسم.

## تو در سرقت چه نقشی داشتی؟

به عنوان موتور پشتمان با موتوری که نقشه سرقت داشت، می‌رفتم. من کمی پایین‌تری ایستادم و زمانی که همدستم سرقت را انجام می‌دادم اگر با مشکل مواجه می‌شد به کمکش می‌رفتم. من همان شخصی بودم که وقتی حسام گوشی را سرقت کرد و سوار موتور شد چند لحظه بعد من هم دوان‌دوان سوار موتور دوم شدم.

## خالکوبی روی دست خلیقوست؟

یک مکان خاص در ژاپن است که آن را روی دستم خالکوبی کرده‌ام، آرزو دارم به ژاپن سفر کنم. می‌خواستم پول‌های دزدی را جمع کنم و سفری به ژاپن داشته باشم.

## از ۸ سالگی موتور می‌راندم

۱۸ سال دارم و این دومین بار است که دستم پلیس روی سرقت‌ها نقش برآریش را به عهده داشت.

## کی از زندان آزاد شدی؟

۴ ماه هم نمی‌شود.

## به چه جرمی بازداشت شده بودی؟

همین گوشی قاپی، ۶ گوشی سرقت کردم و حکمی که برایم صادر شد ۱۲ سال و ۶ ماه حبس بود. ۸ ماه از حبس‌م را که تحمل کردم با سندن آزاد شدم.

## تو که قبلاً بازداشت شده بودی و می‌دانستی عاقبت سرقت چیست، چرا دوباره ستمش رفتی؟

گول خوردم. گول رفیق. گول دست فرمانم را خوردم. از ۸ سالگی پشت فرمان موتورسواری نشستم و چون عاشق موتورسواری بودم، دست فرمانم خیلی خوب شد. سردسته گروه که اینجا نیست، مدام از دست فرمانم تعریف کرد و اینکه حیف است از دست فرمانت استفاده نکنی، خلاصه گول خوردم.

## پشیمانی؟

واقعاً پشیمانم و به تمام کسانی که سرقت می‌کنند یا می‌خواهند سرقت کنند، می‌گویم چنین کاری انجام ندهید چون آرخش بدبختی است. هر چقدر پول به دست بیاوری هزار بار آرخش را باید با عذاب پس بدی.

## چقدر درس خوانده‌ای؟

کلاً دو کلاس بیشتر سواد ندارم، بعد از آن به خاطر شرایط بد خانواده‌ام در موتورسواری مشغول کار شدم.

برای سرقت همراهات باشد تا شاکتی برسد و مقاومت نکند. به پیشنهاد پدرام، هر زمان که برای سرقت می‌رفتم، من همان آرامبخش می‌خوردم. نمی‌دانم ولی زمانی که قرص را می‌خوردم حس قدرت به من دست می‌داد و کمتر به عواقب دادم که انجام می‌دادم فکر می‌کردم.

## به عنوان یک مجرم چه توصیه‌ای برای مردم داری که به دام امثال شما گرفتار نشوند؟

درهای خودرو را قفل کنید و شیشه‌ها را بالا بدهید. با گوشی در خودرو و خیابان صحبت نکنید، رعایت این موارد باعث می‌شود که هیچ سارقی سراغتان نیاید.

## اگر کسی با خودت این کار را می‌کند، چه درخواستی از قانون داری؟

چرا دروغ بگویم، باید متهمان را مجازات کنند، اما حکم چندان سنگینی نباید داد، برای اینکه سابقه ندارم و پشیمان هستم. جرمی که خیلی سنگین نباشد اما درس عبرت شود تا شخص دیگری این کارها را انجام ندهد.

## اگر دستگیر نمی‌شدی باز هم ادامه می‌دادی؟

من سرقت آنجانی انجام ندادم و تصمیم به ادامه هم نداشتم، برای اینکه پولش خوب نبود و چیزی از این سرقت‌ها گیرمان نمی‌آمد جز ترس و استرس.

## اجاره موتورسیکلت برای سرقت

متهم بعدی نقش مراقب را در سرقت داشته و عاشق هیجان است، به طوری که دلش می‌خواست روزی آتش نشان شود، اما الان رفیق دزدهاست

موارد ما را وسوسه کرد.

## هر روز برای سرقت می‌رفتید؟

هفته‌ای یکبار. کلاً ۵ گوشی سرقت کردم که سه تا ساسونگ بود و دو تا آیفون، از این سرقت‌ها هم حدود ۸ میلیون تومان گیرم آمد.

## چه شد به شمال رفتید؟

از ترس، فکر کردیم اگر از تهران خارج شویم، گیر نمی‌افتیم. ویلاهایی در محمودآباد اجاره کردیم و روز سوم ساعت ۶ صبح، دور هم جمع شده بودیم و مشغول صحبت بودیم که مأموران را جلوی خودمان دیدیم. رعایت این موارد باعث می‌شود که هیچ سارقی سراغتان نیاید.

## همیشه چاقو به همراه داری؟

چاقو را پدرام داده بود، گفت

## چه حسی با دیدن این فیلم بهت دست داد؟

حس اشتباه و پشیمانی. ترس تمام وجودمان را گرفته بود و آرزو می‌کردیم زمین دهان باز کند، اما زمان به عقب بر نمی‌گشت. تصورم را حتی در خواب هم نمی‌کردیم که به این صورت مشهور شویم.

## چه شد که تصمیم به سرقت گرفتید؟

سردسته باند ما که الان اینجا نیست، زیر پامان نشست. با بچه‌ها در پارک جمع می‌شدیم و او هم خودش را وارد جمع می‌کرد و از پول خوب کار خلاف برپیمان می‌گفت.

پدرام می‌گفت از هر سرقت ۱۰ میلیون تومان گیرمان می‌آید و سهم هر کدام ۲/۵ میلیون تومان می‌شود. پول کمی نبود همین

نخوانده و بعد از آن وارد بازار کار شده است. حسام، همان سارقی است که با تهدید چاقو، گوشی تلفن همراه شاکتی را سرقت کرده است.

## چه شد در میان این همه خودرو، خودرو شاکتی را برای سرقت انتخاب کردید؟

روز حادثه در بزرگراه صدر دنبال سوژه مناسب برای سرقت بودیم، ناگهان چشممان به خودروی ال‌۹۰ افتاد که تنها یک سرنشین داشت و در خودرو از داخل باز بود و گوشی گران‌قیمتی دست شاکتی بود.

به محض اینکه در ترافیک توقف

مسیر شرق به غرب داخل خودرو نشسته و گوشی‌ام را در دستم گرفته بودم تا در ترافیک یک‌سری کارهای شخصی‌ام را انجام دهم. ناگهان دو مرد جوان که قهقهه در دست داشتند یکی از سمت شاکتر و دیگری از سمت راننده در خودرو را باز کرده و به من حمله کردند.

آنها با قهقهه به من می‌زدند و هر لحظه ممکن بود که یکی از آن ضربات به سر و صورتم اصابت کند. گوشی تلفنم آیفون ۱۳ پرومکس بود، تلاش می‌کردم گوشی را به آنها ندهم. داخل گوشی شماره‌های شخصی‌ام

فکر می‌کردی فیلمت منتشر شود و دستگیر شوی؟

فکرش را هم نمی‌کردم ممکن است فیلم منتشر شود و روزی خودم هم آن را ببینم.

## کی فیلم سرقت خودتان را دیدید؟

دو روز بعد از سرقت بود که در شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی و اینستاگرام فیلم سرقت‌مان را دیدیم.



## قدردانی از شهروندی که از صحنه جرم فیلم گرفت

سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در جمع خبرنگاران گفت: ما از شهروندی که توانست صحنه وقوع جرم را تصویربرداری کند سپاسگزاریم، چرا که با انتشار آن به همکاران انتظامی برای دستگیری متهمان کمک کرد. زمانی که پلیس از این حادثه با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مطلع شد در تلاش شبانه‌روزی با کارآگاهان در کمتر از ۲۴ ساعت توانستیم این افراد را در مخفیگاه‌ها پیدا کنیم. این افراد به دلیل ترس از شناسایی شدن از تهران متواری و در استان دیگری مخفی شده و ارتباطشان را با همه قطع کرده بودند. اما تجربه و تجهیزات پلیس باعث دستگیری و انتقال آنها شد. این‌گونه سرقت‌ها که با تهدید سلاح رخ می‌دهد مجازات سنگینی در حد محاربه دارد. دستگاه

ساعت ۱۰ صبح دوشنبه، حضور خودروهای پلیس، مأموران و خبرنگاران در محدوده پل صدر و خیابان قطریه توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کرد. دقایقی بعد از داخل یک خودروی سه پسر ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ساله در حالی که با دستبند و پابند آهنی به هم متصل شده بودند، بیرون آمدند. آنها سعی داشتند صورت‌هایشان را مقابل دوربین‌های خبرنگاران مخفی کنند.

چند روز قبل آنها در همین محل در حالی که سوار دو دستگاه موتورسیکلت بودند راه را بر راننده یک خودروی ۹۰ل سد کردند و با تهدید قهقه و چاقو گوشی گران‌قیمت راننده را سرقت کرده و گریختند.

راننده یک خودرو دیگر که این صحنه‌های خشن را فیلمبرداری کرده بود آن را در فضای مجازی منتشر کرد و سرخ دستگیری این سارقان را به پلیس داد. متهمان صبح یکشنبه پس از عملیات ویژه و شبانه‌روزی پلیس در شهرستان محمودآباد دستگیر شدند.

متهمان جزئیات این سرقت را مقابل دوربین خبرنگاران و عکاسان و در حضور سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ و سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت بازسازی کردند و انگیزه خود از این سرقت را افشا کردند.

## اظهارات مالباخته

ترس و نگرانی هنوز در چهره‌اش نمایان است، به محض مشاهده سارقان این حس در او بیشتر می‌شود. مرد میانسال در رابطه با روز حادثه به خبرنگار ما گفت: در مسیر رفتن به محل کارم و در ترافیک صبحگاهی بزرگراه صدر

مسیر شرق به غرب داخل خودرو نشسته و گوشی‌ام را در دستم گرفته بودم تا در ترافیک یک‌سری کارهای شخصی‌ام را انجام دهم. ناگهان دو مرد جوان که قهقهه در دست داشتند یکی از سمت شاکتر و دیگری از سمت راننده در خودرو را باز کرده و به من حمله کردند.

آنها با قهقهه به من می‌زدند و هر لحظه ممکن بود که یکی از آن ضربات به سر و صورتم اصابت کند. گوشی تلفنم آیفون ۱۳ پرومکس بود، تلاش می‌کردم گوشی را به آنها ندهم. داخل گوشی شماره‌های شخصی‌ام

فکر می‌کردی فیلمت منتشر شود و دستگیر شوی؟

فکرش را هم نمی‌کردم ممکن است فیلم منتشر شود و روزی خودم هم آن را ببینم.

## کی فیلم سرقت خودتان را دیدید؟

دو روز بعد از سرقت بود که در شبکه‌های فارسی‌زبان خارجی و اینستاگرام فیلم سرقت‌مان را دیدیم.

## شاید از کشور خارج می‌شدیم

تا کلاس هفتم بیشتر درس